

## **The Influence of the Works and Thoughts of Attar Neishabouri on the Europe**

**Azadeh Zabihi\***  
**Esmail Azar\*\***

### **Abstract**

From the second half of the eighteenth century, European orientalists translated and perfected the works of Attar. This was started by von Stewemer in Germany. After him, in the late eighteenth century and early nineteenth century, Silvestre de Sacy was influential in introducing Attar to the West with the French translation of the *Pand Nameh* and *Mantıq-ut-Ṭayr*. Eduard Fitzgerald read the introduction by Gartens Dutzis to the French translation of Attar's *Mantıq-ut-Ṭayr*, and published the English version of the work 'The Conference of the Birds' in 1889. Thus, in the nineteenth and early twentieth centuries a movement in translation, correction, and interpretation of Attar's works emerged, and Attar's collections were introduced to Europeans, and a new window opened for European poets and writers. The main purpose of this study is to examine how Attar's mystical thoughts and works influence France, England and Germany. Also, which works of Attar have been paid attention to and translated more? The research methodology is based on description and analysis. The findings of this article show that although the Germans were the first translators of Attar's work, the French played a more important role in introducing Attar to the West. The countries of Germany and England have been influenced more by Attar's *Pand Nameh* and *Mantıq-ut-Ṭayr* and Attar's mystical thoughts and works have a noticeable effect on the works of European poets and writers.

### **Keywords**

*Attar, Europe, Mystical Thought, Translation, Correction.*

---

\* PhD Candidate of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

\*\* Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال دوازدهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۹۷ صص ۱۰۰-۷۳

## تأثیرپذیری اروپا از آثار و اندیشه‌های عرفانی عطار نیشابوری

آزاده ذبیحی\* - اسماعیل آذر\*\*

### چکیده

خاورشناسان اروپایی از نیمه دوم سده هجدهم میلادی به ترجمه و تصحیح آثار عطار پرداختند. فون اشتوئر در آلمان این کار را آغاز کرد. پس از او، در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، سیلوستر دوساسی با ترجمه فرانسوی *پندنامه* و *منطق‌الطیر*، در معرفی عطار به غرب مؤثر بود. ادوارد فیتز جرالده با خواندن مقدمه‌ای که گارسن دوتاسی بر ترجمه فرانسوی *منطق‌الطیر* نوشته بود با عطار آشنا شد و ترجمه انگلیسی این اثر را با عنوان *کنگاشستان پرنندگان* در سال ۱۸۸۹ به چاپ رساند. به این ترتیب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبشی در ترجمه و تصحیح و اقتباس از آثار عطار پدید آمد و منظومه‌های عطار به اروپاییان معرفی شد؛ به دنبال آن دریچه تازه‌ای بر شاعران و نویسندگان اروپایی گشوده شد. هدف اصلی در این مقاله، چگونگی اثرپذیری اندیشه‌های عرفانی عطار و آثارش در کشورهای فرانسه و انگلستان و آلمان است؛ همچنین فهمیدن این موضوع که غربیان به کدامین آثار عطار توجه بیشتری نشان داده‌اند و کدام اثر بیشتر ترجمه شده است. روش تحقیق مبتنی بر توصیف و تحلیل است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه آلمان‌ها نخستین مترجمان آثار عطار بودند، فرانسویان نقش مهم‌تری در معرفی عطار به غرب داشته‌اند. کشورهای آلمان و انگلستان بیشتر از *منطق‌الطیر* و *پندنامه* منسوب به عطار متأثر شده‌اند و اندیشه‌ها و آثار عرفانی عطار توانسته است تأثیرات آشکاری بر آثار شاعران و نویسندگان اروپا داشته باشد.

### واژه‌های کلیدی

عطار؛ اروپا؛ اندیشه‌های عرفانی؛ ترجمه؛ تصحیح

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

azadehzabihi78@gmail.com

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

drazar.ir@gmail.com

## ۱- مقدمه

در دوست سال اخیر بسیاری از شرق‌شناسان و پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی، به‌ویژه آثار عرفانی، به ترجمه متون اصلی و پژوهش درباره آنها پرداختند. مترجمان آثار ادبی به فراخور شناخت خود از اثر ادبی و خالق آن به ترجمه آثار می‌پردازند؛ این کار موجب برقراری ارتباط و تعامل فرهنگی میان جوامع می‌شود. ترجمه آثار شرقی یکی از راه‌های آشنایی غرب با فرهنگ و ادبیات مشرق زمین است. شناخت غربیان از شرق برخاسته از شناخت آنها از دنیای اسلام (قرن پانزدهم میلادی) و امپراطوری عثمانی در ترکیه بود. به تدریج مبلغان مسیحی به این فکر افتادند تا برای تبلیغ دین مسیحیت و شناخت مسیرهای تجاری و بازرگانی از راه‌های دریایی به سوی ممالک شرقی سفر کنند. مارتینو (martino pierre, 1953-1880) در باب شناخت این قاره می‌گوید: «کشف خاور دور، چین و ژاپن را که مسافران فقط از آن بویی برده بودند، به مبلغان مذهبی مدیونیم» (مارتینو، ۱۳۸۱: ۸۰). تاریخ آشنایی غربیان با عرفان ایرانی - اسلامی به اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم برمی‌گردد؛ زمانی که تولوک (F.A.D.Tholuck) در سال ۱۸۲۱ کتابی درباره مبانی و سیر تحول عرفان منتشر کرد،<sup>۱</sup> کتاب‌های دیگری هم درباره عرفان در سده نوزدهم چاپ شد که اغلب به تحقیق درباره ریشه عرفان می‌پردازد. اروپاییان از آغاز، علاقه بسیاری به نوشته‌های عرفانی داشتند و متون عرفانی فراوانی را به زبان‌های اروپایی ترجمه کردند.<sup>۲</sup> از کتاب‌های دیگری که در سده نوزدهم ترجمه و چاپ شده است، گلشن راز شیخ محمود شبستری است که فون هامر پورگشتال (von Hammer-purgstal, 1774-1856) با چند متن عرفانی دیگر به چاپ رسانید.

نخستین گام آشنایی غرب با عطار از نیمه دوم قرن هجدهم شروع می‌شود که فون اشتوئمر (vonstuemer) پندنامه<sup>۳</sup> را به زبان آلمانی ترجمه کرد. پژوهندگان و نویسندگانی مانند پورگشتال، ریتز، روکرت، دوساسی، آراگون، فیتز جرالده، نیکلسون و ... آثار عطار را ترجمه و تصحیح کردند و از اندیشه‌های او تأثیر پذیرفتند. با وجود این، هنوز پژوهش مستقلی درباره تأثیرپذیری اروپا از آثار و اندیشه‌های عطار انجام نشده است. در این پژوهش، با همه کمبود منابع و دسترسی نداشتن به آنها، فهرستی کامل از محققانی تنظیم و ارائه شد که در آثارشان به احوال و آثار و اندیشه‌های عرفانی عطار توجه داشته‌اند و آنها را تفسیر کرده‌اند؛ همچنین به تحلیل و مقایسه ترجمه‌هایی پرداخته می‌شود که درباره آثار عطار انجام شده است. هدف از این مقاله بررسی شیوه تأثیرپذیری

غرب از اندیشه‌ها و آثار عطار نیشابوری است؛ با این رویکرد که این تأثیرپذیری از چه زمانی و به دست چه کسانی صورت گرفته است.

### ۱-۱ بیان مسئله

نخستین اقدام اروپاییان برای مطالعه درباره سرزمین‌های اسلامی، به قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، همزمان با نهضت ترجمه به زبان‌های لاتین برمی‌گردد. در قرن هیجدهم میلادی با شکل‌گیری مدرسه‌السنه شرقی، روند شرق‌شناسی گسترش بیشتری یافت و مستشرقینی که دانش آموخته این مدرسه بودند، به ترجمه و اقتباس از آثار ارزنده ادب پارسی پرداختند. ترجمه آثار شرقی مقدمه‌ای برای نفوذ اندیشه ادیبان ایرانی در ادبیات اروپا بود. در میان این آثار، عطار نیشابوری دریچه تازه‌ای را به روی شاعران و اندیشمندان غربی گشود و آنها را با عشق‌های آتشین مردم مشرق‌زمین و عرفان ایرانی آشنا کرد. چگونگی شیوه آشنایی اروپاییان با عطار نیشابوری در ترجمه و تصحیح اشعار او در کشورهای فرانسه و انگلیس و آلمان مسئله مهم در این پژوهش است.

### ۲-۱ پرسش‌های پژوهش

(۱) میزان تأثیرپذیری غرب از عطار و آثار و اندیشه‌های او تا چه اندازه است و مستشرقان اروپایی به کدام یک از آثار او بیشتر توجه داشته‌اند؟

(۲) از کشورهای اروپایی (فرانسه، انگلستان، آلمان) در کدام کشور، از ترجمه آثار عطار استقبال بیشتری صورت گرفته است؟

(۳) کدام ویژگی فکری و اندیشه عطار در غرب بیشتر مطرح بوده است؟

### ۳-۱ فرضیه‌های پژوهش

- (۱) در میان آثار عطار، غربیان به منطق‌الطیر بیشتر از همه توجه داشته‌اند.
- (۲) در میان کشورهای اروپایی، در زمینه‌های ارتباط ادبی، فرانسه نقش پررنگ‌تری داشته است.
- (۳) غربیان به اندیشه‌های عرفانی عطار به‌عنوان ترویج‌دهنده عرفان ایرانی - اسلامی بسیار توجه داشته‌اند.

### ۴-۱ پیشینه پژوهش

سعید نفیسی نخستین تحقیق برای معرفی عطار را در سال ۱۳۲۰ با عنوان جست‌وجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری انجام داده است. پس از او باید از پژوهش‌های بدیع‌الزمان

فروزانفر یاد کرد که دستمایه تحقیقات بعدی شاگردان او از جمله زرین کوب و شفیع کدکنی شد. طاهری نیز در کتاب سیر فرهنگ ایران در بریتانیا درباره تأثیر عطار بر جهان غرب بحث کرده است. همچنین می‌توان به کتاب گستره شعر پارسی در انگلستان و آمریکا از یوحنا، کتابشناسی عطار از علی میرانصاری و نادر کریمیان، از سعدی تا آراگون از حدیدی، سفری در رکاب اندیشه از حسن هنرمندی و ادبیات ایران در ادبیات جهان از اسماعیل آذر اشاره کرد.

در میان غربیان هلموت ریتز، عطارشناس آلمانی، درباره عقاید عطار کتابی به نام دریای جان نوشت. کریستوفر شکیل در کتاب عطار در غرب و در شرق (Attar in the West and in the East)، منتشر شده به زبان انگلیسی، به بررسی عطار در غرب و شرق پرداخته است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، جست‌وجوها نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره تأثیرپذیری اروپا از آثار و اندیشه‌های عطار انجام نشده است.

#### ۱-۵ روش پژوهش

روش کار در این پژوهش تحلیلی توصیفی است. در این جستار با بهره‌گرفتن از منابع و مآخذ مکتوب در زمینه عطارپژوهی، ادبیات تطبیقی، فرهنگ‌های خاورشناسان و مقالات معتبر ایرانی و خارجی به تأثیرپذیری ادبیات اروپا از آثار و اندیشه‌های عطار پرداخته شده است. داده‌ها براساس مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده است.

#### ۱-۶ اهداف

- ۱) بررسی سیر روند شرق‌شناسی و شیوه آشنایی اروپاییان با ایران و آثار اندیشمندان فارسی‌زبان.
- ۲) تأثیرپذیری اروپاییان از اندیشه و آثار عطار نیشابوری و الهام‌پذیری شاعران و نویسندگان غربی از آثار او.
- ۳) ترجمه و تصحیح و اقتباس از آثار عطار تا چه میزان است و اروپاییان به چه اثری بیشتر توجه داشته‌اند.

#### ۲- بحث و بررسی

غربی‌ها با ترجمه و تحقیق توانستند با عرفان ایرانی - اسلامی آشنا شوند. تاریخ این آشنایی به سده

نوزدهم میلادی یعنی سال‌های پایانی عصر ویکتوریا بازمی‌گردد. غربی‌ها در این دوره به آثار صوفیانه و عرفانی توجه و از آنها استقبال کردند. تولوک (tholuck) دربارهٔ تصوف کتابی را در سال (۱۸۲۱) نگاشت. <sup>۴</sup> او «تصوف را نوعی همه‌خدایی [pantheism] می‌خواند و آن را با مکتب نوافلاطونی قیاس می‌کرد. کتابی که مبانی و سیر و تحول عرفان را تحلیل و تجزیه می‌کند» (لویزون، ۱۳۸۴: ۱۲۳). از دیگر پیشگامان معرفی تصوف به جهان می‌توان به ادوارد اچ. پامر (۱۸۸۲-۱۸۴۰) و ای. اچ. وینفیلد (۱۸۳۶-۱۹۲۳) اشاره کرد. اگر به ترجمه‌های اشعار فارسی به زبان‌های اروپایی در طول قرون هفدهم تا بیستم بنگریم، می‌بینیم بیشتر این برگردان‌ها از ادبیات عرفانی است. مبانی و تعالیم اخلاقی، انسان‌شناختی، خداشناسی، عشق الهی و غیره که در ادبیات عرفانی ایرانی نهفته است، جذابیت ویژه‌ای برای اروپاییان دارد. بسیاری از برگردان‌های متون عرفانی را می‌توان جزئی از ادبیات اروپایی به شمار آورد. <sup>۵</sup>

تجربه‌های عرفانی عطار نیشابوری در ادبیات جهان تأثیرگذار بوده است. نگاهی به انبوه نسخ خطی و چاپی، ترجمه‌ها و شرح‌های پندنامه در خارج از ایران از این تأثیرگذاری نشان دارد. همچنین در گذشته بیشتر به محتوای این اثر توجه داشته‌اند تا به اصالت و شخصیت علمی و هنری عطار. می‌توان گفت عاملی که به این علاقه کمک کرده، سبک ساده و محتوای اخلاقی آن بوده است که سبب جذب بیشتر اروپاییان به پندنامه شده است. <sup>۶</sup> بعد از مثنوی مولوی، هیچ اثری از ادبیات منظوم عرفانی به پای منطق‌الطیر نمی‌رسد. سمبولیک بودن این اثر در بسیاری از آثار سمبولیسم جهان نیز تأثیرگذار بوده است. افزون بر آن، آثار منشور او مانند تذکرة‌الاولیا توانسته است در ادبیات عرفانی توجه نویسندگان جهان را به خود جلب کند.

## ۲-۱ عطار در فرانسه

فرانسویان حدود چهارصد سال پیش با فرهنگ و ادب ایران آشنا شدند. <sup>۷</sup> درحقیقت سیاحان نخستین ناشران ادبیات ایران در اروپا بودند. آنان با ترجمهٔ قطعاتی از شاهکارهای ادبیات ایران سبب شدند تا اروپاییان به ترجمهٔ آثار ایرانی بپردازند. به این ترتیب افق‌های جدیدی به روی آنان گشوده شد. در میان کشورهای اروپایی، فرانسویان پیش از کشورهای دیگر با آثار و افکار عطار آشنا شدند. در اواخر قرن هجدهم لوئی لانگلس (1823-Louis Langles, 1779) با تأسیس مدرسهٔ زبان‌های شرقی، زمینهٔ آشنایی فرانسویان را با زبان و ادب فارسی گشود. پس از او، سیلویستر

دوساسی توانست با ترجمه آثاری مانند *پندنامه عطار و نفحات الانس* جامی ادبیات فارسی را به اروپاییان معرفی کند (آذر، ۱۳۸۷: ۹۲).

## ۲-۲ مترجمان آثار عطار در فرانسه

### ۱-۲-۲ پندنامه

یکی از نخستین شخصیت‌هایی که در معرفی عطار به جهان غرب مؤثر بود، سیلوستر دوساسی (1838-silrester de sasy, 1785) است. برپایه کتاب‌شناسی عطار، نخستین چاپ ترجمه *پندنامه* دوساسی در سال ۱۷۸۷ و آخرین آنها در ۱۸۱۹ در فرانسه صورت گرفت. عبدالمحمود روح‌بخشان در ترجمه این اثر، ضمن مقابله متن مصحح دوساسی با دو نسخه خطی دیگر، پیش‌گفتار و یادداشت‌های دوساسی را از فرانسه به فارسی برگردانده است (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

### ۲-۲-۲ منطق‌الطیر

*منطق‌الطیر* که یکی از آثار برجسته عرفانی است، بیشتر در جایگاه متن عرفانی شناخته شده است؛ هرچند جنبه ادبی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. انتشار کارهای دوساسی بیشترین تأثیر را در معرفی *منطق‌الطیر* در غرب داشت. او بخش‌هایی از این منظومه را در کنار نمونه‌هایی از سروده‌های مولانا و سعدی و حافظ و جامی منتشر کرد. شاگرد دوساسی، گارسن دوتاسی (G. De Tassy)، به عطار و *منطق‌الطیر* او پرداخت. او در سال ۱۸۵۶ ترجمه‌ای به نثر فرانسوی از داستان شیخ صنعان و در سال ۱۸۵۷<sup>۱</sup> ویرایشی کامل از متن فارسی این منظومه منتشر کرد و سپس در ۱۸۶۳ ترجمه‌ای کامل به نثر فرانسوی همراه با توضیحاتی به چاپ رسانید. توجه غرب به حکایت شیخ صنعان افزون‌بر جاذبه‌های موضوعی به‌عنوان شرح عشق معمولی در مقابل عشق‌های آسمانی، توانست به‌سبب حضور پررنگ عنصر مسیحیت در این داستان برای غربیان دلنشین باشد. ماجرای عشق مهارناپذیر شیخ صنعان با پیشینه زاهدانه او به یک دختر ترسا، درحقیقت خوانندگان مسیحی را غافلگیر کرد. دوتاسی نخستین شخصی بود که به *منطق‌الطیر* توجه کرد.

لیلی انور، محقق ایرانی ساکن فرانسه، از دیگر مترجمان کتاب *منطق‌الطیر* است که آن را با نام *نعمه پرندگان* (le cantique des oiseaux) به زبان فرانسه ترجمه کرد. ترجمه دیگری از *منطق‌الطیر* را گسن تسین در قرن نوزدهم در پاریس منتشر کرد. او تنها با خواندن چندین نسخه خطی که خود از استانبول تهیه کرده بود، این منظومه را ترجمه کرد.

آنخوان بوان ترجمه این کتاب را با «مرحبا ای هدهد هادی شده» آغاز می‌کند. اثر او بیشتر نوعی اقتباس آزاد از منطق‌الطیر است که جنبه قصه‌گویی یافته است. او هزار بیت ابتدای کتاب را حذف کرده است؛ البته به شیوه‌ای که به متن اصلی اثر آسیبی وارد نشده است. منیژه نوری یکی از هفت شاگرد فریتس مایر<sup>۹</sup> (Fritz Meier, 1912-1998) است. او یکبار منطق‌الطیر را در سال ۱۹۹۹ از روی متن فارسی با تصحیح سید صادق گوهرین ترجمه کرد و در سال ۲۰۱۲ همین اثر را از روی تصحیح شفیع کدکنی به چاپ رساند.

### ۲-۲-۳ مصیبت‌نامه

از اواسط سده نوزدهم تا اوایل قرن بیستم با پژوهش‌های علمی‌تر و تحلیل‌های نقادانه که به عمل آمد، عطار بهتر شناخته شد. دلیل این موضوع ترجمه‌ای بود که ایزابل دوگاتینه از مصیبت‌نامه به زبان فرانسوی انجام داد؛ گفتنی است در سیر اندیشه‌های او جای پای ایران و اسلام آشکارا دیده می‌شود.

### ۲-۲-۴ اسرارنامه

از دیگر ترجمه‌های آثار عطار به زبان فرانسوی می‌توان از ترجمه اسرارنامه به دست دکریستین تورتل (Ch. Tortel) نام برد. او ترجمه خود را در سال ۱۹۸۵ در پاریس به چاپ رساند (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۷۴).

### ۲-۲-۵ تذکرة‌الاولیا

پاوه دوکورتیه (P. De courteille) ترجمه‌ای از تذکرة‌الاولیا انجام داد. این ترجمه از متن ترکی ایغوری انجام شد که در سال ۱۸۸۹ منتشر شده بود.

### ۲-۲-۶ الهی‌نامه

فؤاد روحانی در سال ۱۹۶۱ الهی‌نامه را در پاریس به چاپ رساند. با توجه به ترجمه‌هایی که از آثار عطار ارائه شده بود، شاعران و نویسندگان فرانسوی در نیمه دوم قرن نوزدهم و یا در نیمه اول قرن بیستم، منابع کامل‌تری از شعر عرفانی فارسی در اختیار داشتند تا بتوانند در آثار و اشعار خود از آنها الهام بگیرند.

### ۲-۲-۳ اقتباس از آثار عطار در ادبیات فرانسه

فرانسویان کم‌کم با حوزه تصوف و عرفان اسلامی آشنا شدند. بسیاری از اندیشمندان از جمله



ویکتور هوگو (Victor Hugo, 1802-1885) به آثار عطار توجه نشان دادند. ویکتور هوگو در تبعید به کمک ترجمه خلاصه آثار عطار که ارنست فوینه (Ernest Fouinet) انجام داده بود، توانست با دنیای عطار آشنا شود. او در کتاب شرفیات از عطار یاد کرده است و قسمت‌هایی از منطق‌الطیر مانند وادی فقر و فنا را به گونه‌ای که خودش دریافت کرده بود، در اثر خود به کار برد (آذر، ۱۳۸۷: ۴۲۷-۴۲۶). او نخستین کسی است که در کتاب *افسانه قرون* (la legend des siècles) به احتمالی، آگاهانه از عطار الهام گرفته است. در بخش اول کتاب، داستان آفرینش و سرگذشت انسان و مبارزه ابدی میان خوبی و بدی را بازگفته است. در آغاز، شاعر آواهایی از دور می‌شنود که هر یک با او به گونه‌ای دیگر از خدا سخن می‌گویند. شاعر به پیروی از عطار، نخست مرغان را به سخن واداشته و سپس بر آن شده است که این سخنان را از زبان سروش غیبی بازگوید تا اصالت بیشتری به آنها بخشد. در مجموع تصاویر *افسانه قرون* از دو بخش اهریمن و خدا تشکیل شده است. «این حماسه با بیان بشریت و انسانیت در قالب آزادی و کمال، انسان‌ها و ملت‌هایی را به تصویر می‌کشد که از ظلمت گریخته و به سوی آزادی و رهایی در حرکت‌اند» (جواری و وحیدنژاد، ۱۳۸۸: ۳۸). مرغان هوگو نیز همه در وادی طلب راه می‌سپزند؛ اما برخی از آنان به بهانه‌هایی از ادامه راه بازمی‌مانند. شاعر پس از گفت‌وگوهای بسیار با پرندگان ناگهان درمی‌یابد که آن نقطه سیاه بر فراز سرش محو می‌شود و آن موجود عظیم به او می‌گوید:

خدا را چهره‌ای بیش نیست، و آن نور است

می‌خواهی نادیدنی و ناشنیدنی

و حقیقت برتر را بشناسی؟

- آری!

آنگاه زمین و آسمان به لرزه درمی‌آید و نور همه جا را فرامی‌گیرد. آن موجود عظیم دوباره با نوک انگشت پیشانی شاعر را لمس می‌کند و شاعر درحالی که محو آن همه عظمت است، جان می‌سپارد. به بحر کل بازمی‌گردد و نیست می‌شود تا در این نیستی، هستی ابدی را بازیابد (هوگو، به نقل از حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۵۵-۴۸۸). در این میان، خواننده در اشعار هوگو به دنبال پیام اشعار فراملیتی نویسنده است. آثار هوگو نشان می‌دهد که او علاقه بسیاری به ادبیات ایران دارد. این علاقه و آشنایی سبب شده است تا آثارش خوانندگان فراوانی داشته باشد.

از دیگر شاعران فرانسه، آرمان رنو (Armand Renaud, 1836-1895) بود. زیباترین مجموعه شعر او موسوم به *شب‌های ایرانی* شامل قطعات شاعرانه‌ای است و بسیاری از آنها به تقلید از شاعران فارسی‌زبان به سبک غزل فارسی سروده شده است. او طرح کلی کتاب خود و برخی از چکامه‌های آن را به عطار و دیگر عارفان ایرانی مدیون است. «بدین‌گونه که شاعر فرانسوی سرگذشت خود را از جوانی تا پیری، در قالب کتابی آورده که طرح و محتوای آن از جهات بسیاری یادآور *منطق‌الطیر* عطار است. نخست وصف شور و غوغایی که همه عالم را فراگرفته است. سپس طی مراحل سیر و سلوک، از گذشته شاعر مایه می‌گیرد ... در پایان، رسیدن به سرمنزل عنقا و فناشدن در «بحر کل» و از این راه به هستی ابدی دست یافتن» (هوگو، به نقل از حدیدی، ۱۳۷۳: ۶۶۶-۶۶۵).

شاید توجه ادیبان فرانسوی به آثار عطار، به سبب حکایت‌پردازی‌های بی‌مانند اوست.

یکی دیگر از نویسندگان، موریس بوشور (Maurice Bouchor, 1855-1929) بود که در سال ۱۸۷۶ کتاب *عشق و دریا* (poemes delamour de la mer) را نوشت. او کتاب خود را به سه بخش گل‌های آب، مرگ عشق و عشق الهی تقسیم کرد. هر یک از این سه بخش یکی از مراحل زندگی او را وصف می‌کند. او در آغاز به زیبارویان عشق می‌ورزد؛ اما پس از چندی از عشق‌ورزی روی برمی‌تابد. در این دوره است که شاعر برای پرهیز از عشق صوری، به طبیعت روی می‌آورد. دیگر برای او از مرگ ترسی نیست؛ زیرا با هستی درآمیخته و به وحدت رسیده است؛ اما کم‌کم شک و تردید بر وجودش چیره می‌شود. آنگاه از طبیعت نیز روی برمی‌گرداند. سپس به پیروی از عطار بر آن می‌شود که «پای بر فرق جهان» کوبد. این شور و غوغا سرانجام او را به عشق الهی می‌رساند. اینجاست که می‌گوید:

با جهشی به سوی ابدیت و جاودانگی

خاکستر هستی‌ام را به طبیعت غرق در گل واگذار خواهم کرد (bouchor, 1876: 466-467).

موریس بارس (Maurice barres, ۱۸۶۲-۱۹۲۳) یکی دیگر از نویسندگان فرانسوی است. او دیده‌ها و شنیده‌های خود را در سفری که به غرب آسیا داشت، در سفرنامه‌ای با نام *پژوهش در کشورهای شرق* (Une enquete aux pays du levant) بیان کرد. او در این سفرنامه می‌گوید: «من شعر عارفانه‌ای نمی‌شناسم که از *منطق‌الطیر* زیباتر باشد و اینچنین خواننده را به سوی کهکشان‌ها به پرواز درآورد» (حدیدی، ۱۳۷۳: ۶۶۵-۴۷۲).

لویی آراگون (Louis Aragon, 1897-1982) از بزرگ‌ترین شاعران فرانسه در قرن بیستم است. او در سال ۱۹۲۸ با زنی اهل روسیه به نام الا آشنا شد که آراگون او را الزا (Elsa) نامید. عشق الزا انقلابی عظیم در او پدید آورد. در همین دوره بود که به سرودن مجموعه‌هایی آکنده از مضامین عرفانی پرداخت و همه آنها را «الزا» نامید. او در یکی از آثارش به نام *دیوانه الزا* مضامینی چند از زبان مرغان برگرفته است. این مجنون خود شاعر است که به دست فاتحان غرناطه اعدام می‌شود؛ زیرا شاعر زنی را دوست دارد که در عصری دیگر و با فاصله زمانی چهارصد و پنجاه سال از او زندگی کرده و هیچ‌کس او را ندیده است. شوهرانی که نسبت به همسران‌شان وفادار نبودند، او را تمسخر و متعصبین مذهبی او را تکفیر کردند (همان: ۴۷۵)؛ اما شاعر به این رفتارها توجهی نمی‌کرد:

تو آن مرغ آسمانی هستی که نیافتنی‌ات می‌دانند

برای رسیدن به تو دریا بس عمیق است

مرغان روز پرواز جز نامی از تو نخواهند دانست

پرنده نیافتنی از نظر آراگون دلدار خود، الزاست؛ او، هم با پرنده نیافتنی خود و هم با زبان

پرندگان که در آرزوی رسیدن به سیمرغ هستند، آشناست:

من در اینجا به زبان مرغان عشق سخن می‌گویم

مرغانی که راه سفری دراز در پیش دارند

تا آسمان را قیچی وار ببرند

ابرها را بشکافند

و پروازشان بسان تیغی دامن آسمان را بدرد.

من به زبان مرغان سخن می‌گویم

مرغانی که راه سفری دراز در پیش دارند

بسان قیچی در آسمان پرواز می‌کنند

تا ابرها را بشکافند (دیوانه الزا: ۲۱۵، به نقل از حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۹۲-۴۷۳).

تصویری که آراگون از آینه وصف می‌کند و باید تا سرزمین ناکجا حمل شود، همان آینه

منطق الطیر است. هنگامی که سرانجام سی مرغ موفق می‌شوند به قله قاف برسند، شاعر پارسی‌گوی

از زبان حاجب لطف می‌گوید که سروش سیمرخ آینه‌ جاودانی است که هر عمل و گرفتاری در آن انعکاس می‌یابد:

بی زبان آمد از آن حضرت خطاب      کاینه است آن حضرت چون آفتاب  
هر که آید خویش‌تن بیند در او      جان و تن هم جان و تن بیند در او  
(عطار، ۱۳۸۳: ۴۲۷)

البته آراگون این آینه را به فلسفه معاصر نزدیک کرده است. او تصور می‌کند این آینه اسیر زمان است و خارج از زمان نیست. پس به این نتیجه می‌رسد که عشق دوام نمی‌یابد. مجنون گاهی می‌خواهد ساعت زمان را در هم بریزد و آن را به گونه‌ای دیگر سرهم کند. زمان و انسان دو دشمن دیرینه‌اند که هر یک در پی نابودی دیگری است. به همین سبب اعراب از گذشته‌های دور، همه‌الزنا و عزه و غزّی را که نام‌های گوناگون یک معشوق است، دوست دارند:

و تو از آینه دور می‌شوی بسان بوسه‌ای که در هم می‌شکنند  
در آینه، همه چیز دوتاست و هیچ چیز تنها نیست  
در آینه، عشق یک جانبه است و عشق دو سویه دروغین است

آراگون شاعری بود که در پیروی از عطار و میل عروج به سوی سیمرخ از یکسو و اندیشه‌های مادی دنیای معاصر از سوی دیگر گرفتار شده بود (دیوانه‌الزنا، ۱۹۶۳: ۲۱۵، به نقل از حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۹۲-۴۷۳).

## ۲-۴ نمایشنامه‌های اقتباس شده از منطق‌الطیر

متون ادبی ایران می‌تواند با نسبی درخور توجه نیازهای نمایشی ایران و جهان را تأمین کند و در الگوهای مختلف به نمایش بگذارد. «منطق‌الطیر عطار یکی از این آثار است که با داشتن ساختار داستانی منسجم همچنین عناصر مشترک میان درام و داستان از جمله شخصیت‌پردازی، گفت‌وگو و صحنه‌پردازی راه را برای اقتباس از خود در قالب‌های مختلف هموار ساخته است» (پرتوی‌راد، ۱۳۹۴: ۳۴).

اقتباس از ادب رمزی ایران سهمی از متون نمایشی در غرب را به خود اختصاص داده است. «ادبیات رمزی اروپا که در اواخر قرن ۱۹ با ظهور پیشگامانی مانند «بودلر» (Charles Pierre) و «ورلن» (Baudelaire, 1821-1867) و «رلمبو» (Paul Marie Verlaie, 1844-1896) و «رلمبو» (Jean

Edgar Allan Poe ( ) «ادگار آلن‌پو» (در فرانسه) و (Nicolas Arthur Rimbaud, 1854-1891) (در آمریکا) پدید آمد، دامنه‌اش تا قرن بیستم گسترش یافت» (ستاری، ۱۳۷۰: ۱۳). موضوع برخی از این آثار رمزی درک حقیقت و یافتن مطلوب آرمانی است. «ازجمله این آثار می‌توان به نمایش‌نامه‌های «پرنده آبی» اثر موریس مترلینگ؛ «براند» اثر ایسن و «در انتظار گودو» اثر بکت اشاره کرد که به *منطق الطیر عطار* نیشابوری بسیار نزدیک است» (پرتوی‌راد، ۱۳۹۴: ۳۴).

مهم‌ترین اقتباس تئاتر خارجی از *منطق الطیر* نمایش‌نامه مجمع مرغان نوشته ژان کلود کارییر (Jean Claude Carrier, 1931) است که نخستین‌بار به کارگردانی پیتر بروک (Peter Brook, 1925) در ۱۹۷۹ به نمایش درآمد. «کارییر در این نمایش‌نامه، بیشتر تردیدها و امتناع بعضی مرغان را در همراهی با هدهد که تقریباً هشتاد درصد اثر عطار از آن طفره‌زدن‌ها فراهم آمده، حذف می‌کند تا مرغان زودتر عازم سفر شوند. این نمایش‌نامه که تردید مرغان فقط یک‌سوم آن را تشکیل می‌دهد، بیش از متن اصلی، بر حرکت مبتنی است. کارییر از الهی‌نامه و تذکرة‌الاولیای عطار نیز خاصه در وصف هفت وادی بهره گرفته است» (ستاری، ۱۳۷۰: ۲۷). متن نمایش‌نامه با شخصیت هدهد، قهرمان داستان آغاز می‌شود. هدف نویسنده و کارگردان در این نمایش‌نامه ضمن تأکید بر اصل جست‌وجوی حقیقت، بیان این مطلب است که راه وصول به حقیقت همیشه باز است و اینکه چنین راهی نه رهروی دارد و نه راهنمایی می‌خواهد؛ فرد به‌خودی‌خود به این سفر سوق داده می‌شود؛ اما تفاوتی که این اثر با *منطق الطیر* عطار دارد، «میان بینش عطار و جهان‌نگری ژان کلود کارییر و فرق اساسی دو گونه عرفان: عرفان ناسوتی و عرفان لاهوتی است» (ستاری، ۱۳۷۰: ۲۷).

اینگونه تأثیرپذیری نشان می‌دهد محققانی که در زمینه عطار پژوهش داشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. تجربه عملی کارییر در اقتباس از *منطق الطیر* و پیتر بروک در به اجرا درآوردن نمایش، نشان داد که نمایشی کردن متون کهن ادبی، از ارزش‌های غنایی شعری و ادبی نمی‌کاهد و حتی آنها را در سطحی گسترده‌تر رواج می‌دهد و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند.

## ۲-۵ عطار در انگلیس

پس از فرانسویان، مستشرقین و دوستان ادیبان ایرانی در انگلیس دریچه‌هایی را برای شناخت عطار گشودند. نخستین شناخت انگلیسی‌ها از عطار در نیمه اول قرن نوزدهم با انتشار آثار فیتز جرالد بود. او در مکتب عطار و حافظ و جامی پرورش یافت و توانست برخی از بهترین آثار سخن‌سرایان ایران را در قالب کلامی موزون ریزد و آن را جاودانه کند.

## ۲-۱-۵ مترجمان آثار عطار در انگلیس

## ۲-۱-۵-۱ منطق‌الطیر

ادوارد فیتز جرال را می‌توان نخستین مترجمی دانست که با ترجمهٔ رباعیات خیام به شهرت جهانی رسید. او *منطق‌الطیر* را با عنوان کنگاشستان پرندگان<sup>۱۰</sup> به انگلیسی ترجمه کرد و آن را با ترجمهٔ *سلامان و ايسال جامی* یک‌جا به چاپ رسانید (طاهری، ۱۳۵۲: ۳۹۹). فیتز جرال زمانی که دربارهٔ رباعیات خیام مطالعه می‌کرد، یک نسخهٔ خطی از *منطق‌الطیر* با نام *مجلس پرندگان* و با مقدمهٔ گارسن دوتاسی یافت. او این اثر را در سال ۱۸۸۹ با عنوان *the bird Parliament* به چاپ رساند. «او چهارچوب اثر را دست‌نخورده نگاه داشته و بخش مهمی از محتوا، به‌ویژه حکایت‌های آن را حذف کرده است. حکایت‌هایی که به‌عنوان تفسیری روان بر روایت اصلی تدوین شده است» (یوحنا، ۱۳۸۶: ۱۳۹). جرال معتقد بود برخی از داستان‌های عطار مانند *عروج پرندگان*، حالت تصویرگری دلفریبی دارد. او زمانی به دوستش کاول نوشت: «خوشحالم که با این شخصیت آشنا شده‌ام. او کسی است که یک عنصر شعری منحصربه‌فرد به دست می‌دهد... من خود کتاب خوبی راجع به نیمی از متن اصلی (*منطق‌الطیر*) فراهم آورده‌ام. این منظومه مرا به یاد منظومهٔ مجمع پرندگان چاسر<sup>۱۱</sup> (Geoffrey Chaucer, 1343-1400) می‌اندازد». ترجمهٔ جرال کاملاً ترجمه‌ای آزاد است. او تنها یک‌پنجم این کتاب را ترجمه کرد؛ داستان‌ها را بازچینش کرد و ترتیب داستان‌ها را بر هم زد. جرال به سبب تناقضات و تفاوت‌های فرهنگی، بخش‌هایی را که به گمان او غیراخلاقی بود، حذف کرد. در واقع او ترجمه‌ای بسیار آزاد ارائه داد و همان سبکی را که در ترجمهٔ خیام به کار بسته بود، در *منطق‌الطیر* نیز انجام داد. به هر حال همان‌گونه که در ترجمهٔ اشعار خیام نیز نشان می‌دهد در بیشتر موارد موفق به حفظ لحن و تن متن اصلی شده است و در این ترجمه نیز لحن تعلیمی - عرفانی *منطق‌الطیر* را حفظ کرده است:

چون سوی سیمرخ کردندی نگاه	بود خود سیمرخ در آن جایگاه
ور به‌سوی خویش کردندی نظر	بود این سیمرخ ایشان آن دگر
ور نظر در هر دو کردندی به هم	هر دو یک سیمرخ بودی بیش و کم
بود این یک آن و آن یک بود این	در همه عالم کسی نشنود این

(عطار، ۱۳۸۳: ۴۲۶)

برای نمونه ترجمه فیتز جرال (۱۸۸۹) در ادامه ذکر می‌شود:

“They that, that they, another, yet the same; / Dividual, yet one: from whom there came

A voice of awful answer, scarediscern'd/ From which to Aspiration whose return'd

They scarcely knew; as when some Man apart/ Answers aloud the question in this heart-

“The sun of my perfection is a Glass/ Wherein from seeing into Being pass

All who, reflecting as reflected see

Themselves in me, and me in them: not me, But all of me that a contacted Eye.”(Gerald, 1889: 59, ۱۸۸۹)

در ترجمه جرال این نکته‌ها مشهود است:

۱) جرال ترجمه‌ای آزاد ارائه کرده؛ اما کوشیده است تا در حد امکان لحن و وزن و قافیه را

حفظ کند. برای مثال:

Loathed /clothed -Raise /Blaze -There /were -Themselves/enmiracled -Between/  
Seen -Same/ came -scarediscern'd/ return'd - Heart/ apart.

بنابراین جرال معنی را فدای لفظ کرده است.

۲) سیمرغ که یک اسم خاص است در ترجمه جرال جایگاهی ندارد. او واژه سی مرغ را چه

در معنی سی عدد مرغ و یا پرندۀ ای یگانه (سیمرغ/ نماد خداوند) به کار نبرده است؛ مثلاً به جای

واژه سیمرغ از واژه «Throne» استفاده کرده است که به معنی تاج و تخت و یا پادشاهی و یا در

مفهوم بسیط کلمه اغلب در الهیات مسیحیت به معنای طبقه‌بندی فرشتگان است.

۳) در تحلیل مقابله‌ای متن فارسی و انگلیسی ایماژها و تصویرسازی‌های عطار جملگی از میان

برداشته شده و تصویر و برداشت‌های مترجم جایگزین شده است.

۴) جرال سعی کرده است دست کم به قالب بندی شعر وفادار باشد و مصرع به مصرع ترجمه

کند و با نماد « / » این تمایز را نشان دهد.

۵) او گاهی مطالب را عیناً ترجمه کرده و چیزی به آن نیفزوده است. مثلاً «بود این یک آن و آن یک

بود این» را *Themselves in me, and me in them: not me* ترجمه کرده است؛ اما گاهی جرال در

متن دخل و تصرف بسیاری انجام داده، و گاهی نیز متن را نیز به‌ویژه در بخش‌های پایانی این منظومه

تلطیف و تنقیح کرده است؛ مانند وقتی که پرندگان سیمرغ افسانه‌ای را ملاقات می‌کنند. او به‌سبب

درک نکردن جزئیات اثر، به اندازه‌ای از متن کتاب کاسته که ساختار آن به‌طور جدی آسیب دیده است.

«منظومه منطق‌الطیر عطار هفتاد سال پس از فیتز جرالده، به وسیله دانشمند دیگری به نام آر، پی، مسانی (R.P. Masani) تحت عنوان «کنفرانس پرندگان» به سال ۱۹۲۴ ترجمه گردید»<sup>۱۲</sup> (امیری، ۱۳۷۵: ۵۳). ترجمه او از منطق‌الطیر یک ترجمه آزاد است. او با این امید که در عصر کشمکش‌های بی‌پایان و شتاب‌زدگی، عرفان نقشی مفید برای دنیای مادی‌گرا داشته باشد و به آن کمک کند، این ترجمه را منتشر کرد (یوحان، ۱۳۸۶: ۲۶۵). ترجمه مسانی از ترجمه فیتز جرالده کامل‌تر و وفادارتر است. برخلاف ترجمه فیتز جرالده این ترجمه به نثر است؛ اما نثر مسانی چندان روان و سلیس نیست و با حذفیاتی نیز همراه است.

خاورشناس دیگری به نام مارگاریت اسمیت<sup>۱۳</sup> (Margaert Smith) عطار را در مجموعه عارفان ایرانی با عنوان *خرد شرقی* جای داد؛ اما هیچ‌گونه شرح و توضیح افزون‌تری بیان نکرد که به شهرت شاعر در میان خوانندگان بینجامد. این مقاله با عنوان «*The Persian Mystics Attar*» در سال ۱۹۳۲ در نیویورک به چاپ رسید و با عنوان «عرفان ایرانی، شیخ فریدالدین عطار» به فارسی منتشر شد. او همچنین در سال ۱۹۵۴ به انتشار گلچین‌هایی از آثار عرفانی اقدام کرد.

خاورشناس برجسته انگلیسی آرتور آربری (Arthur Arberry, 1905-1969) نیز در کتاب *ادبیات کلاسیک فارسی* که در سال ۱۹۵۸ و کتاب *اولیا و عرفای مسلمان* در سال ۱۹۶۶ در لندن به چاپ رسانید، در بخشی جداگانه از عطار سخن گفته است (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۱۶۱). ترجمه‌هایی از ابیات عارفانه عطار در دو گلچین آربری از اشعار فارسی گنجانده شده است.

کتاب «*The Conference of the Birds*»<sup>۱۴</sup> ترجمه انگلیسی منطق‌الطیر عطار است که اس. سی. نات (s. cs.natt) آن را در سال ۱۹۵۴ در لندن از متن ترجمه فرانسوی دوتاسی به زبان انگلیسی و به نثر برگرداند. مترجم انگلیسی کتاب ترجمه دوتاسی را اصل قرار داده بود و با یک متن فارسی از منطق‌الطیر که از یک عارف ایرانی به امانت در دست داشت، با سه ترجمه ناقص دیگر مقابله کرده بود. این اثر کامل‌ترین ترجمه از منطق‌الطیر به زبان انگلیسی است. این ترجمه بیشتر یک ترجمه مفهومی است تا تحت‌اللفظی. ترجمه نات این دیدگاه را در میان عارفان غربی پراکنده کرد که اعتقاداتشان در همه جهان رواج داشته است.

از ترجمه‌های متأخر منطق‌الطیر به انگلیسی کار مشترک افخم دربندی و دیک دیویس (dick davis & afkham darbandi) با عنوان *انجمن مرغان* به سال ۱۹۸۴ در نیویورک است.<sup>۱۵</sup> در



ترجمه یک منظومه به انگلیسی، مترجم می‌تواند یکی از دو قالب عروضی شعر سپید یا مثنوی (دو قالب سنتی منظومه‌سرایبی به انگلیسی) را برگزیند. در این ترجمه منظوم «از قالب مزدوجه حماسی که شباهت زیادی به قالب مثنوی دارد، استفاده شده است» (تولایی، ۱۳۸۰: ۷). دیویس قالب مثنوی را برگزید؛ زیرا در این قالب مانند مثنوی فارسی، هر دو مصرع قافیه دارد. امتیاز این ترجمه این است که مترجم خود شاعری آگاه بر ظرایف سخن است که شعر عطار را به انگلیسی ترجمه کرده است:

مجمعی کردند مرغان جهان      آنچه بودند آشکارا و نهان  
جمله گفتند این زمان در روزگار      نیست خالی هیچ شهر از شهریار  
چون بود کاقلم ما را شاه نیست      بیش از این بی شاه بودن راه نیست  
(عطار، ۱۳۸۳: ۲۱۱)

“The word’s birds gathered for their conference  
And said: “Our constitution makes no sense.  
All nations in the world require a king.” (davis & darbandi, 1984: 136)

مطالب و نکاتی که از ترجمه دیک دیویس و افخم دربندی به دست می‌آید، عبارت است از:  
۱) وفاداری به متن در این ترجمه نسبت به ترجمه جerald کمتر دیده می‌شود. مترجم گاهی به سبب خلاصه کردن مطلب، بسیاری از ابیات را در ترجمه حذف کرده است. برای مثال مصراع دوم بیت اول (آنچه بودند آشکارا و نهان) در ترجمه حذف شده است.

۲) عطار در بیت:

چون بود کاقلم ما را شاه نیست      بیش از این بی شاه بودن راه نیست

می‌گوید برای ساماندهی و نظم به حکمران نیاز است؛ اما مترجم می‌گوید: فقط نظام پادشاهی است که می‌تواند حکمرانی کند؛ بنابراین مترجم معنا را تا حدی تحریف کرده است.

۳) در ترجمه دیویس به نکاتی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد، عمق مفهوم دریافت نشده است. برای نمونه به جای «for their conference» بهتر بود از «a conference» استفاده می‌کرد. این ترجمه برگردان بیت به بیت (تحت‌اللفظی) منظومه است؛ گفتنی است دیویس خود نیز به این مطلب آگاهی داشته است: «بیشتر از همه، می‌خواستم شعر خوب و روان انگلیسی بنویسم و سعی کردم به شعر و معنی عطار هم وفادار بمانم؛ ولی این نگرانی اولم نبود ... آن موقعی که منطق‌الطیر را ترجمه کردم جوان بودم و زیبایی را بیشتر دوست داشتم» (خزاعی‌فر، ۱۳۷۶: ۲۴).

۴) مترجم هیچ سعی و کوششی دربارهٔ حفظ تُن و آهنگ نکرده است. از دیگر ترجمه‌های متأخر، برگردان بیت‌به‌بیت پی‌تر، دلبلیو، ایوری با عنوان «The Speech of the Birds» است که در سال ۱۹۹۸ در کمبریج چاپ شد. همچنین غلام محمد عبید ۱۱۷۰ بیت از منطق‌الطیر را به انگلیسی ترجمه کرده است.<sup>۱۶</sup>

شیوهٔ عطار در غرب پیروان فراوانی دارد؛ از جمله جفری چاسر که معاصر خواجه حافظ شیرازی بوده است. چاسر «در عالم شعر و ادبیات انگلیس همان مقام را دارد که رودکی در شعر و ادبیات فارسی؛ یعنی اولین شاعر بزرگ انگلیس است» (مینوی، ۱۳۸۳: ۷۷). او بیش از هر نویسندهٔ دیگری در قرون میانهٔ ادبیات انگلیس، از نویسندگان دیگر ملل تأثیر پذیرفته است. او از دانتی که شناخته‌شده‌ترین نویسندهٔ ایتالیایی عصر خود بود، بیش از دیگران الگو گرفته است. همین مسئله نظر ما را در اینکه آثار چاسر با ادبیات ما شباهت و نزدیکی داشته باشد، دوچندان می‌کند؛ زیرا «دانتی گرایش فراوانی به آثار برجستهٔ ادب فارسی، به‌ویژه شاخهٔ عرفانی داشت» (نوحی، ۱۳۸۷: ۸۰)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اجلاس پرندگان چاسر می‌تواند اقتباسی از منطق‌الطیر عطار باشد:

باغی می‌بینم مملو از شاخه‌های پرشکوفه

بر فراز رودخانه‌ای، در چمنزار سبز ...

روی هر شاخه آواز پرندگان است که به گوشم می‌رسد

که در همهٔ آوایشان گویی فرشتگان‌اند که می‌خوانند

در ادامه به بررسی و تحلیل ترجمه‌هایی از ابتدای حکایت سیمرغ از جان آربری و پیتر ایوری می‌پردازیم:

جلوه‌گر بگذشت بر چین نیم‌شب	ابتدای کار سیمرغ ای عجب
لاجرم پر شور شد هر کشوری	در میان چین فساد از وی پری
هرکه دید آن نقش کاری درگرفت	هرکسی نقشی از آن پر برگرفت

**Jan Arberry:**

When first the simurgh, radiant in the night,  
Passed ore the land of china in its flight,  
A feather from its wing on chinese soil.  
Fell, and the world in tumult did embroil,  
Each one did strive that feather to pourtray;  
Who saw these sketches, fell to work straightway.

(جان‌زاده، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۷۸)

**Peter Avery:**

The beginning of the affair of the Simurgh, at the wonder!  
In all his glory he flew over china one midnight.  
In to the middle of china from him a feather fell;  
As a result every province was filled with tumult.  
Everyone limned a tracing of this feather.  
All who saw that drawing were much affected.

(عطار، ۱۳۹۳: ۴۱)

اگر به ترجمه‌های اشعار عطار در ابتدای منطق‌الطیر نگاه کنیم، می‌بینیم که آربری درک عمیقی از شعر و مفهوم منطق‌الطیر داشته و توانسته است تحلیل صحیح و مفهومی از اشعار داشته باشد؛ اما با وجود رعایت معانی عرفانی متن اصلی و توضیحات، از دیدگاه زیباشناختی ادبی جذابیت چندانی ندارد؛ هرچند روح زبان فارسی را به انگلیسی دمیده است؛ زیرا او به سبب حفظ وزن و لحن، معنا را فدای وزن نمی‌کند و به خوبی از عهده ترجمه بیرون می‌آید.

ترجمه پیتز ایوری تحت‌اللفظی است؛ اما در انتخاب واژگان بسیار حساس است و گاهی همین واژگان در تجسم ذهنی و تصویرسازی به خواننده کمک می‌کند؛ برای مثال؛ انتخاب واژه «glory» برای جلوه‌گر شدن است. در ترجمه ایوری وفاداری و صحت کلام بیشتری دیده می‌شود؛ در بیت اول برای واژه «نیم‌شب» از «midnight» استفاده کرده است که از نظر زبان انگلیسی دقیقاً معنای نصف شب را می‌دهد؛ اما آربری از «night» به معنای شب استفاده کرده است. مسئله ترجمه تنها برگردان واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر نیست و زیباشناختی ادبی بسیار اهمیت دارد و همین زیباشناختی باعث می‌شود که ترجمه‌های گوناگون در هر دهه یا سده به وجود آید؛ اما گاهی ترجمه اشتباه یک واژه باعث می‌شود واژه نتواند بار معنایی را به خواننده برساند. در مجموع ترجمه آربری بسیار پخته‌تر و آهنگین‌تر از ترجمه ایوری است که دلیل آن مهارت آربری در تسلط بر زبان فارسی و عربی و انگلیسی است.

**۲-۱-۵-۲ تذکرةالاولیا**

رینولد نیکلسون (R.A. Nicholson, 1945-1868)، خاورشناس مشهور انگلیسی، متخصص در تصوف و عرفان اسلامی است. او نخستین بار تذکرةالاولیا را تصحیح کرد. نسخه‌هایی که نیکلسون از آنها استفاده کرده است، مانند نسخه‌های لیدن، موزه بریتانیا، برلین و پاریس بی تاریخ است. تنها نسخه خطی دارای تاریخ او، تاریخ ۱۰۹۱ را دارد. نیکلسون از نسخه‌های معتبر موجود در

کتابخانه‌های ترکیه بی‌خبر بوده است. در سال ۱۹۱۴ نیکلسون در اثر دیگر خود به نام *عارفان اسلامی* سعی کرد توجه اندکی به مولانا و جامی و عطار داشته باشد (عطار، ۱۹۰۷: ۳۲). «در زبان انگلیسی، دو ترجمه از *تذکره‌الاولیا* به صورت خلاصه موجود است که یکی از آنها ترجمه بانکی بهاری در سال ۱۹۶۵ و دیگری ترجمه آ. ج. آربری در سال ۱۹۶۶ می‌باشد» (منزوی، ۱۳۳۲: ۵۳۸). ترجمه بانکی بهاری یک ترجمه دقیق نیست، «و اصل آن باید نسخه‌هایی از *تذکره‌الاولیا* باشد که در لکهنه، بمبئی یا لاهور چاپ شده است» (عطار، ۱۳۸۴: ۳۹).

آربری (a.j.arberry, 1905-1969) از شاعران برجسته انگلیسی‌زبان است. او در ترجمه‌هایش، به سبب آشنایی با کنایات و اصطلاحات زبان فارسی، بسیار دقیق بوده است. او ترجمه‌ای از کتاب *تذکره‌الاولیا* به چاپ رساند. «آربری به ترجمه بخش‌هایی از این اثر اقدام نمود و با افزودن مقاله‌ای درباره نخستین شاعران عارف، آن را در دانشگاه شیکاگو به چاپ رسانید» (یوحنا، ۱۳۸۶: ۲۶۳). پاول بوزسکی در دانشگاه ایندیانا ترجمه کامل تر *تذکره‌الاولیا* به زبان انگلیسی را ارائه داد.

### ۲-۱-۵-۳ ترجمه‌های الهی‌نامه

از *الهی‌نامه* عطار دو ترجمه به زبان انگلیسی درخور توجه است. «یکی ترجمه سی. ای. ویلسون (C.E. Wilson) که در سال ۱۹۲۸ در لندن آن را منتشر کرده بود و دیگری ترجمه جی. ای. بویل (J.A.Boyle) که در سال ۱۹۷۶ در منچستر، آن را به چاپ رسانده است» (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۸۳).

### ۲-۱-۵-۴ پندنامه

روحانی مسیحی به نام جان هیندلی (J. Hindley) در سال ۱۸۰۹ کتاب *پندنامه* را ترجمه کرد و با استفاده از کاتالوگ کتابخانه تیپوسلطان، شرح حالی از زندگی عطار به این کتاب افزود. «علاقه و توجه بیش از حد به کتاب‌های تعلیمی همچون آثار سعدی و عطار و به‌ویژه *گلستان* سعدی، نشانگر این واقعیت است که بریتانیایی‌ها می‌دانستند که روان‌شناسی افرادی که اکنون با آنها سروکار دارند، به بهترین نحو در این کتاب‌ها بیان شده است» (یوحنا، ۱۳۸۶: ۴۳). در همین سال هیندلی ویرایش زیباتری از متن فارسی *پندنامه* در لندن منتشر کرد.

### ۲-۱-۶ آثار عطار در آلمان

در این میان افزون‌بر فرانسویان و انگلیسی‌ها که به معرفی و ترجمه آثار عطار اقدام کردند، آلمانی‌ها نیز از قرن هفدهم میلادی در راه شناساندن و ترجمه اشعار عطار گام‌های موثری

برداشتند. «در سال ۱۶۳۵ میلادی حکمران ایالتی<sup>۱۷</sup> در شمال آلمان، گروهی را برای بستن قراردادی تجاری به اصفهان فرستاد که در میان این گروه، آدام اولناریوس (Adam Olearius, 1603-1791) نیز حضور داشت. او نخستین آلمانی بود که افزون بر نگارش سفرنامه‌ای درباره ایران، گلستان سعدی را نیز به آلمانی برگرداند و در سال ۱۶۵۴ میلادی منتشر کرد» (نجفی، ۱۳۸۴: ۸۳). اطلاعاتی که اولناریوس در سفرنامه خود به دست داد سبب شد تا بسیاری از شخصیت‌های آلمانی با آثار ایرانیان آشنا شوند.

گوته (wolfgang Goethe, 1749-1832) از جمله شخصیت‌های برجسته آلمانی بود. او با گرایش خود به شرق که در دیوان غربی - شرقی جلوه‌گر شده است، در تحقق ایده ادبیات جهانی تلاش درخور توجه‌ای انجام داد. «بی‌گمان بزرگ‌ترین ادیب اروپایی عهد رمانتیک کسی جز گوته نیست؛ اما انصاف نیست او را فقط ادیب بخوانیم، زیرا وزیر مملکت، مدیر تئاتر، فیلسوف طبیعی و دانشجوی علوم عدیده و هنر نیز بود» (پریستلی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). آشنایی گوته با مشرق زمین تا سال ۱۸۱۴ ادامه یافت. در این سال ترجمه دیوان حافظ به دست گوته رسید و او بر آن شد تا اشعاری در رثای حافظ بسراید. گوته در سفری خیالی به مشرق زمین رفت. سفری که در نهایت به خلق دیوان غربی - شرقی انجامید که اثری ماندگار در گرایش شاعر غربی به فرهنگ و ادب فارسی است.

### ۱-۶-۲ ترجمه‌های آثار عطار در آلمان

نخستین آشنایی آلمان‌ها با عطار به واسطه ترجمه آلمانی پندنامه است که نسلمن (nesslemann, G.H.F) آن را انجام داد. اثر ارزشمند هلموت ریتتر (H. Ritter, 1971-1892) با عنوان دریای جان<sup>۱۸</sup> مهم‌ترین پژوهش درباره عطار و آثار اوست. در ادامه به ترجمه‌ها و تصحیح‌ها و پژوهش‌هایی اشاره می‌کنیم که دانش‌پژوهان آلمانی انجام داده‌اند.

#### ۱-۶-۲-۱ پندنامه

در سال ۱۸۷۱، ج. اچ. اف، نسلمن برگردان آلمانی منظومه پندنامه را از روی متن لاتین آن که گابریل گایتلین (Geitlin, G) انجام داده بود، منتشر کرد. برای نخستین بار آلمانی‌ها به واسطه ترجمه پندنامه‌ای که نسلمن انجام داد، عطار را شناختند (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۲۱۶).

#### ۱-۶-۲-۲ منطق‌الطیر

اتریش در حوزه کشورهای آلمانی‌زبان پیشرو نهضت گرایش به فرهنگ و ادب شرق بود. شرق

در دوره روشنفکری (۱۷۸۵-۱۷۲۰) جایگاه ویژه‌ای نزد نویسندگان و شاعران آلمانی زبان داشت. آنان شرق را دنیای زیبایی‌ها و عرفان و معنویت می‌نامیدند (شیمل، ۱۳۷۵: ۵۴۹). هامر پورگشتال (Hammer Purgstall, 1774-1856)، خاورشناس اتریشی، ترجمه‌ها و اقتباس‌های فراوانی از آثار شرقی دارد. «ترجمه داستان هزار و یک شب به آلمانی، چاپ نفیس گلشن راز شیخ محمود شبستری با ترجمه آلمانی (۱۸۳۸)، دایرةالمعارف شرقی: مشتمل بر ادبیات شرقی و تاریخ آن به زبان آلمانی و بسیاری دیگر از این جمله‌اند» (نیک‌بین، ۱۳۸۰: ۱۱۲۲). او در کنار ترجمه دیوان حافظ موفق به تحریر اثر تأثیرگذاری مانند تاریخ هنرهای زیبای سخنوری پارس شد و در آلمان در شناساندن فرهنگ و ادب ایران کمک شگرفی کرد (حدادی، ۱۳۹۰: ۴۴). هامر گزیده‌هایی از منطق‌الطیر را به آلمانی ترجمه و در گلچین دوزبانه‌ای با عنوان نمونه‌هایی از بلاغت فارسی که در سال ۱۸۱۸ در وین منتشر کرد، به چاپ رساند.

هلموت ریتز استاد مطالعات اسلام‌شناسی و شعر و تصوف در آلمان قرن بیستم است. او با روشی علمی و نظام‌مند، به دور از تفنن‌های ادبی و بلاغی درباره عرفان ایرانی، به‌ویژه افکار و آثار عطار نیشابوری و احمد غزالی و نظامی پژوهش‌های ژرفی انجام داد. کار او الگوی گیرا و جذابی برای پژوهشگران است. امروزه محققان آلمانی‌زبان مدیون تحقیق او با عنوان دریای جان<sup>۱۹</sup> هستند که تحقیقی درباره اصطلاحات و تعبیر ادبی حوزه‌های عرفانی عطار است. «دریای جان اثری است پیشرو به اندازه یک دایرةالمعارف. اثری که هم عرفان اسلامی و هم شعر عرفانی فارسی را به‌نحوی شایسته تفسیر می‌کند» (ریتز، ۱۳۸۷: ۷). ریتز در مقدمه کتاب به معرفی عطار و مثنوی‌های عرفانی او می‌پردازد. او نخست سبک روایی هریک از منظومه‌ها را وصف و سپس درون‌مایه‌های کلیدی آنها را در سی عنوان طبقه‌بندی می‌کند. «او در شرح محتوای منطق‌الطیر به تفصیلی بیش از حد متعارف می‌پردازد. ریتز در فصول کتاب به بیان اندیشه‌های عرفانی عطار می‌پردازد و با در نظر گرفتن آلمانی‌زبان‌ها به‌منزله مخاطبان اصلی، جای‌جای محتوای حکایات را نیز نقل کرده و استشهدایی از اشعار مثنوی‌ها را چاشنی آن ساخته است» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

### ۱-۶۲-۳ الهی‌نامه

ریتز ترجمه و تصحیحی از الهی‌نامه در سال ۱۹۴۰ منتشر کرد.

### ۱-۶۲-۴ مصیبت‌نامه

فریدریش روکرت (friedrich Rucker, 1866-1788) زبان‌شناس مشهور آلمانی «در ترجمه

اشعار فارسی و عربی به آلمانی سبک مخصوصی را پدید آورد به گونه‌ای که می‌توان گفت غزل را در شعر آلمانی رواج داد» (آذر، ۱۳۹۰: ۱۸۹). بررسی کارنامه ادبی این شاعر آلمانی بیانگر تلاش‌های مستمر او برای شناساندن شعر فارسی به جامعه ادبی آلمانی زبان است. «روکرت، شاعر و غزل‌سرای آلمانی زبان، از جمله مترجمان نادری است که توانسته است با ترجمه‌ای خلاق و طبیعی، قالب شعری و مضامین کلامی اشعار فارسی را در قالب زبان آلمانی بیان کند» (خداکرمی، ۱۳۹۵: ۹۱). روکرت به غنای شعر فارسی توجه خاصی داشت و از اشعار شاعرانی مانند حافظ و مولوی برای تحقق ایده ادبیات جهانی بهره گرفت. «امروزه نیز برخی از آثار فارسی در آلمان هم‌چنان مورد توجه است به طوری که حتی در تالارهای موسیقی اروپا، اشعار ترجمه‌شده از آلمانی که خود، ترجمه یا اقتباسی از آثار فارسی است، خوانده و نواخته می‌شود که این خود شاهدی بزرگ بر تأثیر ادبیات ایران در آلمان و اروپاست» (ایلرس، ۱۳۱۶: ۵۷۰). او بخش‌هایی از مصیبت‌نامه عطار را در مجله مطالعات شرقی آلمان در سال ۱۸۶۰ به آلمانی ترجمه کرد.

### ۱-۱-۶۲ تذکرة الاولیا

تولوک (F.A.O. Tholuck) در کتابی با عنوان شکوفه‌های عرفانی مشرق زمین<sup>۲۰</sup> در سال ۱۸۲۵ ترجمه‌ای از تذکرة الاولیا را ارائه کرده است. «هالاور جی (Hallauer.j) نیز «زندگی ابراهیم ادهم در تذکرة الاولیا» را در سال ۱۹۲۵ به آلمانی ترجمه کرده و انتشار داده است. کلاپس تاپن، پ (Klappstein. P) در اثری با عنوان چهار تن از اولیای ترک بخشی از تذکرة الاولیا را در سال ۱۹۱۹ ترجمه کرده است» (میرانصاری، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

### ۳- نتیجه‌گیری

خاورشناسان اروپایی از نیمه دوم سده هجدهم میلادی به ترجمه و تصحیح آثار عطار پرداختند. نخستین آشنایی غرب با عطار با مترجم‌های آلمانی‌زبان صورت گرفت. ترجمه قطعاتی از منظومه پندنامه در گلچین دوزبانه‌ای که فون اشتوئر در سال ۱۷۷۵ در وین به چاپ رساند، نخستین گام در معرفی عطار به غرب بود. در سال ۱۸۱۸، فون هامر پورگشتال در وین نخستین ترجمه از منطق‌الطیر را به صورت انتشار گزیده‌هایی از آن چاپ کرد. آلمان‌ها حدود ۱۶ درصد ترجمه و ۲ درصد مقاله و پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.

آلمان‌ها نخستین مترجمان آثار عطار بودند؛ ولی فرانسویان نقش مهم‌تری در معرفی عطار به غرب داشتند. برگردان فرانسوی *پندنامه* که سیلوستر دوساسی در سال ۱۷۸۷ انجام داد و ترجمه او از *منطق‌الطیر* در میان اروپاییان شهرت بسیار یافت. بعد از او، گارسن دوتاسی نیز ترجمه‌ای از *منطق‌الطیر* ارائه کرد که ادوارد فیتز جرالده انگلیسی پس از خواندن این ترجمه و مقدمه‌ای که دوتاسی بر آن نوشته بود به ترجمه *منطق‌الطیر* به زبان انگلیسی پرداخت. در مجموع فرانسویان ۲۴ درصد ترجمه، ۱۰ درصد اقتباس و ۱۲ درصد نمایشنامه را به خود اختصاص داده‌اند.

شناخت انگلیسی‌ها از عطار در نیمه اول قرن نوزدهم در سال ۱۸۸۹ آغاز شد؛ زمانی که جرالده ترجمه *منطق‌الطیر* با عنوان *کنگاشستان پرندگان* را منتشر کرد. انگلیسی‌ها ۳۲ درصد ترجمه، ۲ درصد اقتباس و ۲ درصد مقاله درباره عطار را انجام داده‌اند.

از میان ۵۰ ترجمه، اقتباس، نمایشنامه و پژوهش که در اروپا به چاپ رسیده است، ۴۶ درصد سهم فرانسویان، ۳۶ درصد سهم انگلیسی‌ها و ۱۸ درصد سهم آلمان‌ها بوده است. فرانسویان نسبت به سایر کشورها بیشتر تحت تأثیر آثار عطار قرار گرفته‌اند.

نگاهی به ترجمه‌های اشعار عطار گواه این مطلب است که گاهی مترجم درک عمیقی از شعر و مفهوم داشته و توانسته است تحلیل صحیح و مفهومی از اشعار داشته باشد؛ اما ترجمه با وجود رعایت معانی عرفانی متن اصلی، از دیدگاه زیباشناختی ادبی جذابیت چندانی ندارد؛ گاهی نیز با ترجمه‌ای تحت‌اللفظی روبه‌رو می‌شویم که مترجم با انتخاب واژگان بسیار حساس توانسته است با همین واژگان در تجسم ذهنی و تصویرسازی به خواننده کمک کند. مسئله ترجمه تنها برگردان واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر نیست و زیباشناختی ادبی محور است و همین زیباشناختی باعث می‌شود که ترجمه‌های گوناگون در هر دهه یا سده به وجود آید؛ اما گاهی ترجمه اشتباه یک واژه باعث می‌شود واژه نتواند بار معنایی را به خواننده برساند.

یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد، شناسایی اقتدار فرهنگ و ادبیات غنی ایران در جوامع غربی سهم بسزایی دارد و بر این مدعا صحنه می‌گذارد که از ادبیات صوفیانه و تعلیمی ایران همواره بهره‌برداری فرهنگی شده است. اندیشه‌های عرفانی و آثار عطار توانسته است در جامعه هنری غرب معرفی شود؛ اما هنوز پایگاه شعری عطار در اروپا جایگاه شایسته خود را نیافته است.<sup>۲۱</sup>



پی‌نوشت‌ها

1. F. A. D. Tholuck, *Ssufismus sive theosophiapersarum pathistica*, 1821.
2. F. A. D. Tholuck, *Bbluthensammlug aus der Morgenlondischen Mystik*, 1825.
۳. آشنایی غرب با عطار از طریق منظومه‌ای بود که در صحت آن به عطار اتفاق نظر وجود ندارد. شفیعی کدکنی در تصحیح *منطق‌الطیر* انتساب *پندنامه* را به عطار آشکارا رد می‌کند و آن را در ردیف مثنوی‌های سست مانند *اشترنامه*، *بلبل‌نامه* و ... می‌شمارد (نک: *منطق‌الطیر* عطار، تصحیح شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۷).
4. F. A. D. Tholuck, *ssufismus sive theosophiapersarum pathisticm*, 1821.
۵. برای مثال اشعار گوته از حافظ و نظامی جزوی از ادبیات آلمانی است. گوته شاعران بسیاری را با عرفان آشنا کرد.
۶. زیرا در جوامع سنتی مردم هنوز به اندازه سده‌های اخیر مادی‌گرا نشده بودند و ملاک خوبی و بدی کتاب‌ها معمولاً ارزش اخلاقی و معنوی آنها بود و کمتر به ارزش‌های هنری و ادبی و مقام علمی و فلسفی گویندگان آنها توجه می‌شده است.
۷. برای اطلاعات بیشتر نک: حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۹۳.
8. Tassy, M. garcin de: *Farid- uddin Attar. Mantic uttair ou le langage des oiseaux, pome de philosophie religieuse publie en persan*, 1857.
۹. فریتس مایر یکی از دانشمندان اروپایی است که مطالعات فراوانی در زمینه حکمت، عرفان، فلسفه، ایران‌شناسی و ادبیات دارد.
10. *A Bird's Eye-View of Farid-uddin Attar's Bird-Parliament*.
۱۱. جفری چاسر، پدر شعر انگلیسی، که معروف‌ترین اثر او قصه‌های کاتریری است.
12. Masani, r. p.; *the conference of the birds a sufi all egory, lonodon*, 1924.
۱۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:  
magaret smith, *studies in early mysticism in the near and middle east*, London: the Sheldon press, 1931 and *readings from the mystics of islam: translations from the Arabic and Persian*, london: luzac, 1954.
14. Natt, c. s.: *The Conference of the Birds*, (mantigut-tair), London, 1961.
۱۵. ترجمه دیویس به نظم و براساس *منطق‌الطیر* عطار چاپ دکتر سید صادق گوهرین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۴۹) است.
16. shaikh, gulam mohammad abid: *translation of mantikut-tair*, ahmedabad, 1911.
17. Georg philipp friedrich hardenbery.
18. Ritter. Hellmut. *Das meer der seele*, Leiden, 1955.

۱۹. ریتز عنوان دریای جان را از این بیت الهی‌نامه گرفته است:

زبان تو از او آمد گهردار ز قعر بحر جان هر دم گهربار  
(عطار، ۱۳۸۳: ۱۲۳)

20. *bluthen sammlung ausder morgenlandicuen myfic*, berlin, (1825).

۲۱. برای آشنایی و مطالعه بیشتر منابع زیر معرفی می‌شود:

1. Jackso, A.V. Williams. 1917. "The allegory of the Motis and the flame", translated from the mantig – ot – teyr of farid – ad – Din attar. *Journal of American oriental soc.*
2. krehl, Ludolf. 1857. *Compt – rendu de La posie pilophi-que et religieuse. Ou le langage des oiseaux de farid- ud- din attar par M. garcin de tassy*. Gottingen 1858.
3. s.b. de. 1556. *Letter sur le mantic-uttair. Poeme person de philosophie religieuse par ferid ud- din attar*. Paris.
4. wricht. wiliam aldiss (ed). 1889. *a birds-eye view of farid uddin attar, s bird parliament. Letters and literaty remains of Edward fitz Gerald*, London and new york, pp 431-82

#### منابع

- ۱- آذر، امیراسماعیل (۱۳۸۷). *ادبیات ایران در ادبیات جهان*، تهران: سخن.
- ۲- ----- (۱۳۹۰). *حافظ در آن سوی مرزها*، به اهتمام مریم برزگر، تهران: سخن.
- ۳- امیری، کیومرث (۱۳۷۵). *زبان و ادبیات فارسی در جهان انگلیس*، تهران: دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور.
- ۴- ایلس، ویلهم (۱۳۱۶). «نفوذ ایران در ادبیات آلمان»، *ارمغان*، دوره هجدهم، ۵۷۰-۵۴۲.
- ۵- پرتوی‌راد، طیبه (۱۳۹۴). «واکاوی ظرفیت‌های نمایشی منطق‌الطیر عطار با رویکرد بررسی و مقایسه اقتباس‌های داخلی و خارجی از این اثر برای تئاتر»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، شماره ۲۰، ۳۳-۴۴.
- ۶- پرستلی، جی. بی (۱۳۸۷). *سیری در ادبیات غرب*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: امیرکبیر.
- ۷- جان‌زاده، علی (۱۳۹۲). *شاهکارهای شعر فارسی از رودکی تا شهریار*، تهران: جان‌زاده.
- ۸- جواری، محمدحسین؛ وحیدنژاد، محمد (۱۳۸۹). «مطالعه و بررسی تصویر شرق در آثار ویکتور هوگو»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۱، ۴۸-۲۹.

- ۹- حدادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «جایگاه ادبیات ایران در آلمان با نگرش ویژه به گوتته و روکرت»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۵۶-۳۹.
- ۱۰- حدیدی، جواد (۱۳۷۳). *از سعدی تا آراگون*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۱- خداکرمی، فاطمه (۱۳۹۵). «فردریش روکرت: مترجم صورت‌محور یا معنامحور»، *نقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره ۱۲، شماره ۱۶، ۸۵-۱۰۷.
- ۱۲- خزاعی فر، علی (۱۳۷۶). «مصاحبه با دیک دیویس»، مترجم، سال ۶، شماره ۲۳ و ۲۴، ۲۹-۲۱. ریتز، هلموت (۱۳۸۷). *دریای جان*، ترجمه عباس زریاب خویی و مهرآفاق بایبوردی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۱۳- ستاری، جلال (۱۳۷۰). «گزارش و نمایش منطق‌الطیر در غرب»، *فصلنامه تئاتر*، شماره ۱۵، ۴۸-۱۱.
- ۱۴- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۴). «دریای جان»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۴، ۱۱۱-۱۱۳.
- ۱۵- شیمل، آنه ماری؛ یوهان گ. (۱۳۷۵). «یوهان. هردر و فرهنگ ایرانی»، ترجمه محمد فرمانی، *فصلنامه هنر*، شماره ۳۰، ۶۱۴-۶۲۴.
- ۱۶- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *سیر فرهنگ ایران در بریتانیا*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۷- عطار، فریدالدین (۱۳۹۲). *الهی‌نامه*، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۱۸- ----- (۱۹۰۷). *تذکره‌الاولیا*، به تصحیح محمد استعلامی، لیدن: بی‌نا.
- ۱۹- ----- (۱۳۸۴). *تذکره‌الاولیا*، به تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار.
- ۲۰- ----- (۱۳۸۳). *منطق‌الطیر*، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۲۱- ----- (۱۳۹۳). *ذره خورشید* (خلاصه *منطق‌الطیر* عطار نیشابوری همراه با توضیحات فارسی و ترجمه انگلیسی)، مترجم پیتز ایوری، اثر جلال‌الدین همایی، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.
- ۲۲- لویزون، لئونارد (۱۳۸۴). *میراث تصوف*، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز.
- ۲۳- مارتینو، ژان پیر (۱۳۸۱). *شرق در ادبیات فرانسه قرون هفدهم و هجدهم*، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.

۲۴- میرانصاری، علی (۱۳۸۲). کتابشناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۵- منزوی، علینقی (۱۳۳۲). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۲، تهران: فهرست کتابخانه اهدایی آقا سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران.

۲۶- مینوی، مجتبی (۱۳۸۳). پانزده گفتار، تهران: توس.

۲۷- نجفی، رضا. از گوته تا هایدگر (۱۳۸۴). «بازتاب اندیشه و ادب آلمانی در زبان و ادبیات فارسی»، بیمه و توسعه، شماره ۲، ۹۷-۸۴.

۲۸- نوحی، نزهت (۱۳۸۷). «از دنیای چاسر تا عرفان عطار (نگاهی به مجلس مرغان و منطق الطیر)»، فصلنامه تخصصی عرفان، سال چهارم، شماره ۱۵، ۸۱-۵۷.

۲۹- نیک‌بین، نصرالله (۱۳۸۰). فرهنگ جامع خاورشناسان مشهد و مسافران به مشرق زمین، تهران: آرون، چاپ دوم.

۳۰- یوحنا، جان دی (۱۳۸۶). گستره شعر پارسی در انگلستان و امریکا، ترجمه احمد تمیم‌داری، تهران: روزنه.

31- Abid, shaikh gulam mohammad (1911). *translation of mantikut-tair*, ahmedabad.

32- Bouchor, Maurice (1876). *Les poems de lamour et de la mer*, paris.

33- Davis, d. & darbandi, a. (1984). *The conference of the births*, London: penguin.

34- F. A. D. Tholuck (1821). *Ssufismus sive theosophiapersarum pathistica*, berlin.

35- F. A. D. Tholuck (1825). *Bbluthensammlug aus der Morgenlondischen Mystik*, berlin.

36- Fitz Gerald, e. (1889). *bird parliament*, London and new york: macmillanandco.

37- Hogo, victor (1972). *Poesies 1*, paris: seuil.

38- ----- (1972). *Poesies 2*, paris: seuil.

39- Masani, r. p. (1924). *the conference of the birds a sufi all egory*, lonodon.

40- Natt, c.s. (1961). *The Conference of the Birds*, (mantigit-tair), London.

41- Ritter. Hellmut (1955). *Das meer der seele*, Leiden.

42- Shackle, Christopher (2006). *Attar in the west and in the east, translation of the mantiq al-tayr and the tale of shaykh san an in attar and the Persian sufi*

*tradition, the art of spiritual flight, edited by leonard lewisohn and Christopher shackle. London & new york.*

43- Smith, magaret (1931). *studies in early mysticism in the near and middle east*, London: the Sheldon press

44- ----- (1954). *readings from the mystics of islam: translations from the Arabic and Persian*, , london: luzac.

45- Tassy, M. garcin de (1857). *Farid- uddin Attar. Mantic uttair ou le langage des oiseaux, pome de philosophie religieuse publie en persan*, paris.